

به نقش شخصیت‌های برتر مذهبی و اشخاص شناخته‌شده و محبوب و برای جمع کثیری از مردم به نمایش گذاشته شده بود، یک پدیده تازه و شگفت‌آور در تاریخ هنر اسلامی بود. رویش آینه‌های عامه و هنرهای وابسته به آنها، به شدت مرهون حمایتها و علاقه خاص شاهان قاجار به این مقوله بود، کسانی که تکایا را می‌ساختند و برای نگهداری از آنها و به همان میزان برای حمایت از نمایشها هزینه می‌کردند. بنابراین در قرن ۱۹ میلادی، تکیه‌ها

جهانگردان اروپایی که از ایران عهد قاجار بازدید کرده‌اند به عنوان تئاترهای فضای باز نامیده می‌شدند که مراسم شیعی عامیانه تا به امروز در آنها اجرا می‌شده‌اند. این گونه تکایا و به دنبال آنها، اشکال دیگر معماری (همچون بقعه‌ها و سقاخانه‌ها) با دیوارنگاریها، کاشیهای منقوش و بومهای نقاشی، که بزرگان شیعه و کرامات آنان را، نمایش می‌داد، تزئین شده بود. ساختن عمارت‌های مذهبی برای اجراهای تئاتری و تزئینات این تکایا و دیگر ساختارهای مزین

دوره قاجار، عصری است که در آن، بیشترین تحولات و خیزش‌های هنرهای عامیانه در تاریخ ایرانیان رخ داده است. اکثر این هنرها برخاسته از باورها و آیینهای عامیانه مذهب شیعی است که به عنوان مذهب غالب در سلسله صفویه در قرن ۱۶ میلادی (۱۵۰۱ تا ۱۷۲۲ میلادی) به منصف ظهور رسید. این حرکت هنری، چهره شهرنشین مناطق مسکونی ایران را، با ساخت «حسینیه‌ها» یا «تکیه‌ها» تغییر داد. عمارت‌های بزرگ و پایداری (اغلب توسط



ا قسمت اول

هنرهای عامیانه

# حمایتگر و پرهیزگار

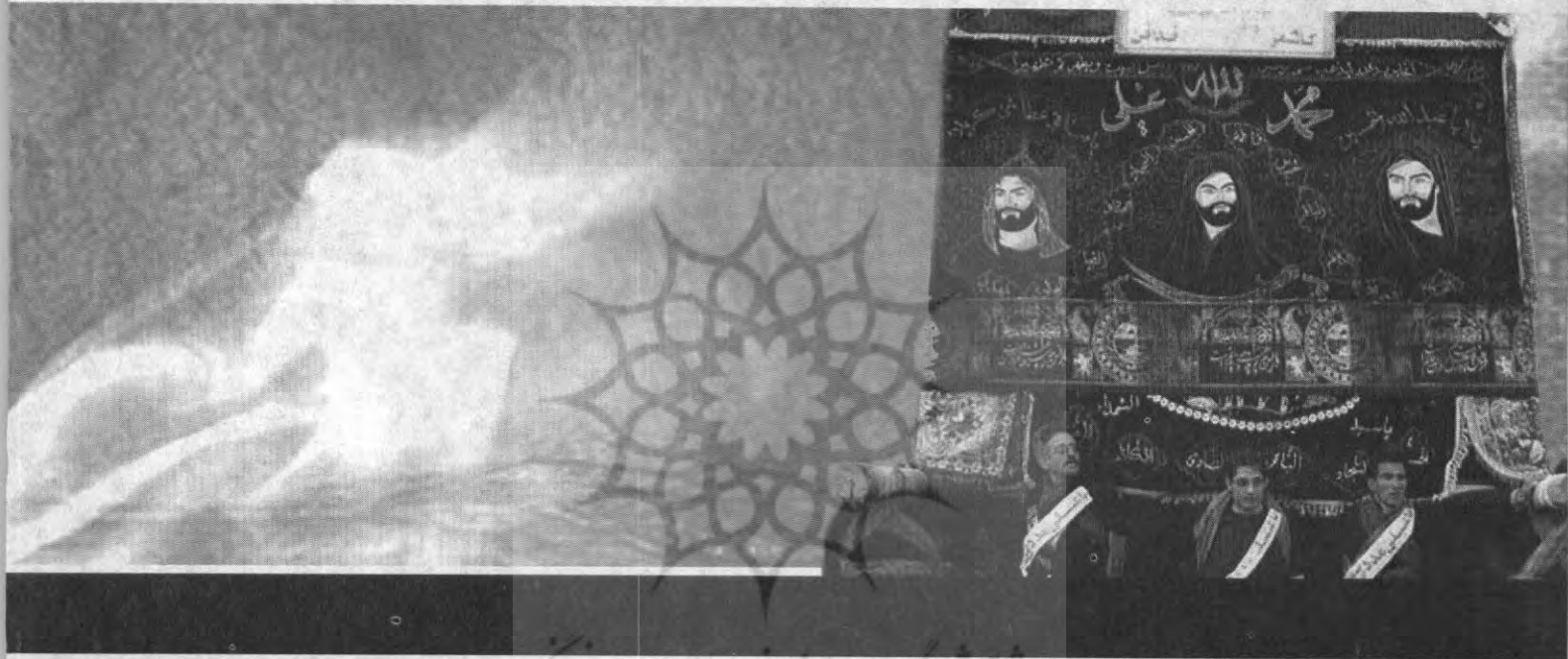
پیتر چلکوفسکی

ترجمه: آزاده فرامرزیها / ساسان قاسمی

آن گونه که در عاشورا، دهمین روز از ماه محرم سال ۶۱ هجری قمری / ۶۸۰ میلادی، اتفاق افتاد، هم‌اکنون نیز اتفاق می‌افتد، در زمان حال، در دنیای شیعیان و به‌خصوص، در جایی که آنها تحقیر شده، محرومیت کشیده و مورد خشونت قرار گرفته‌اند، و به آنان این اجازه را می‌دهد که خودشان را با اصول عقاید و الگوهای حسین (ع) مورد سنجش قرار دهند. جوامع شیعی به این طریق، وظیفه خود می‌دانند که با بی‌عدالتی، ظلم و خفقان بجنگند، شاید به همین دلیل است که شهادت حسین (ع) «سید الشهداء» بر ایشان این گونه ارزشمند به نظر می‌آید. برای سیزده قرن، شیعیان تمامی دنیا برای شهادت

در اواخر سال ۶۰ هجری / ۶۸۰ میلادی، حسین (ع) نوه عزیز پیامبر اسلام با خلیفه تازه به تخت نشستۀ اموی، یزید اول (دورهٔ خلافت از ۶۸۰ تا ۶۸۳ میلادی) به مخالفت پرداخت.

حسین (ع) به دلیل اصول مذهبی و سیاسی خود، با خلیفه بیعت نکرد. او با خانواده و اطرافیانش از شهر و موطن خود از مدینه و از طریق مکه، به کوفه در عراق سفر کرد، جایی که برای رهبری جماعت شیعیان، از وی دعوت شده بود. در نخستین روز ماه محرم، لشکر یزید، که هم از نظر تعداد و هم از نظر تجهیزات بسیار برتر از افراد حسین بودند، راه را بر او بسته، حلقهٔ محاصره‌ای بر گرد او زدند اجازه دسترسی



حسین (ع) به سوگواری نشستند. در ایران یاد و خاطرهٔ رنج و شهادت امام حسین (ع) از زمانی که پادشاهان صفوی، شیعه را مذهب رسمی کشور اعلام کردند، به حرکتی فوق‌العاده بدل گشت.

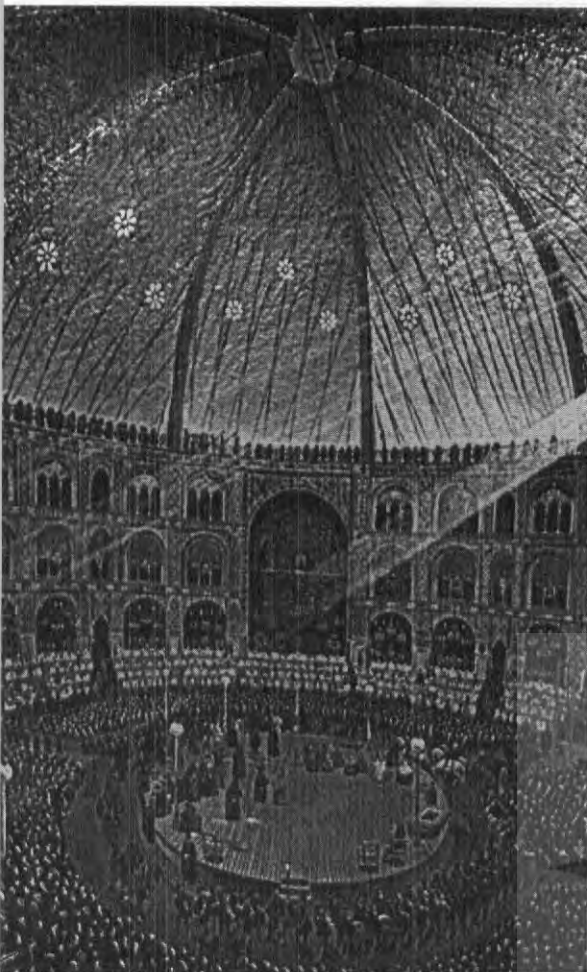
مراسم سوگواری محرم و ماه بعد از آن صفر، که شامل دو بخش سیار و ساکن بود، برای قرن‌ها در فضای باز اجرا می‌شد، فضاهایی هم‌چون خیابان اصلی شهر، محل تجمع در یک دهکده، چهار سوق یک بازار، صحن یک مسجد، حیاط یک کاروان‌سرا، یا یک خانهٔ خصوصی، برای مصونیت شرکت‌کنندگان در مراسم از نابه‌سامانیهای آب و هوایی گاه، سایبانی کشیده و یا چادری بر پا می‌شد.

عمارت‌های دائمی برای سوگواری شیعی<sup>۶</sup> تا قرن ۱۹ میلادی و هم‌زمان با به وجود آمدن تعزیه، تنها فرم جدی درامی که در تمام جهان

به آب فرات را به او ندادند و برای ده روز با وارد آوردن فشارهای جسمی و روحی مختلف تلاش کردند تا او را به سرسپردگی یزید وادار کنند. اما این تلاش بی‌نتیجه ماند. عاقبت در روز عاشورا (دهمین روز از ماه محرم) دشمنان حملهٔ خود را آغاز کردند. حسین (ع) و تمام یارانش به جز یک نفر به قتل رسیدند. سرهای جداشدهٔ آنان با جماعت زنان اسیر به دمشق برده شد. رنج و شهادت حسین (ع)، سومین امام شیعیان، برای مسلمانان شیعه به عنوان عظیم‌ترین رنج و رستگاری در تاریخ محسوب می‌گردد. در اصل عقیده بر این است که این ماجرا از تاریخ پا را فراتر گذارده و با کسب وجهه جهان به یک فراتاریخ، بدل شده است. این دیدگاه، حوادثی را که بر حسین (ع) در کربلا گذشته، در زمانی که دیگر زمان نیست و در مکانی که دیگر مکان نیست، قرار می‌دهد. به دیگر سخن، حوادث

به اصلی‌ترین نمایهٔ زندگی شهرنشینی ایرانی بدل گشته بود. در حقیقت در طول نیمهٔ دوم این قرن افتخار هر جامعه ایرانی به تکیه‌هایش بود.<sup>۲</sup> مینا معرفت تکیه‌ها را «احتمالاً تنها نمایهٔ ایرانی و قطعاً تنها مشخصهٔ ایرانی قرن ۱۹»<sup>۴</sup> می‌نامد. رقابت و چشم و هم‌چشمی پادشاهان و مقامات عالی‌رتبه و مرفه ایران، تأثیر به‌سزایی در بلوغ آیینهای شیعی داشت. برخی از تکیه‌ها، توسط ثروتمندان و به عنوان خدمت به عموم مؤمنان ساخته می‌شد و برخی دیگر با کمکهای مردم محلی یا حمایت اصناف مختلف مانند صنف قماش‌داران یا عطاران بنا می‌گردید. اگرچه، گسترش سریع آنها ممکن نمی‌شد اگر قوه تخیل و تأثیر مردم عادی وجود نداشت. برای تمامی طبقات اجتماعی، حرکت هنری مرتبط با تکایا برخاسته و الهام گرفته شده از به یادآوریهای سالیانه از وقایع کربلا در ایران بود.<sup>۵</sup>





تکیه دولت

که باید انجام می‌شد قرار گرفتن یک صحنه در وسط چهار ضلعی بود و گسترده‌ترین یک چادر بر روی تمامی حیاط، تکیه‌های زیادی در بیرجند، نایین و نطنز، از این پلان تبعیت کرده‌اند.

کامل‌ترین توصیفات، در خصوص تکیه حاجی را می‌توان از قلم شرق‌شناس و دیپلمات روسی I. N. Berezin به دست آورد که در ماه محرم (ژانویه ۱۸۴۳ میلادی) به شرکت در نمایشهای تعزیه در این بنا دعوت شد: «تکیه سنگی حاجی شکلی قرینه دارد، درست همانند آنچه در فرم کاروان‌سراها، می‌توان دید: در دورتادور آن دو طبقه حجره است. در میان هر طرف تکیه، ایوانهایی به بلندای بنا، دیده می‌شود؛ به جای سقف، پارچه‌های هم‌چون چادر روی بنا کشیده شده است. ۶۴ حجره به اندازه‌های مختلف وجود دارد که به زیبایی، تزئین شده‌اند. طبقات با حصرهای نی‌ای پوشیده شده‌اند. صحنه (تخت) ۱۴ مفروش شده، در حالی که کرسی با شالهای کشمیری پوشیده گردیده است. ستونهای میان حجره‌ها را نیز کشمیرهای بلند و باریکی که هر کدام سی تومان قیمت

پا می‌رسد و با دو پله به زمین متصل می‌گردد. در یک طرف بنا، منبری از مرمر سفید به دیوار متصل کرده‌اند ... اما به زودی دریافتیم این شاهکار معماری که به تفصیل توضیح دادم در برابر خیل عظیم جمعیت تماشاگر، هیچ است.»<sup>۱۰</sup>

بسیاری معتقدند که، ساختار تکیه دولت، از آلبرت هال لندن الهام گرفته است. در ۱۸۷۳ میلادی، ناصرالدین شاه، در کنسرتی که در آنجا برگزار می‌شد شرکت کرد و از معماری این سالن بسیار شگفت‌زده شد و در بازگشت، دستور ساخت ساختمانی مشابه را در مجموعه سلطنتی در تهران صادر کرد. این مأموریت به یکی از معماران قابل، یعنی معیرالممالک محول شد.<sup>۱۱</sup> بر طبق نوشته برخی از محققان شباهت میان تکیه دولت و آلبرت هال بیش از حد تصور است.<sup>۱۲</sup> تفاوت اصلی فقط در سقف این دو بناست. معمار، نمی‌توانسته گنبد مناسبی روی این بنای عظیم برپا کند و به جای آن، این بنا را با چادرهای پارچه که روی طاقهای چوبی قرار گرفته‌اند، مسقف کرد. گرچه معمار، در نهایت، نارضایتی شاه را به جان خرید، اما چادر پارچه‌ای هماهنگی بیشتری با سنت و فلسفه ماه محرم دارد. امام حسین (ع) و یارانش در مقابل آفتاب داغ صحرائی کربلا توسط چادرهای پارچه‌ای محافظت شده بودند نه با گنبدهای آجری. بنابراین، بیشتر تکایا برای رویارویی با عوامل طبیعی، یا چادر پوشانده می‌شدند نه با سقف سخت.<sup>۱۳</sup> احتمالاً همین مسئله باعث شده تا اروپاییان تصور کنند که تکایا، همان تئاترهای روبازند.

بر طبق نظر جهانگردان غربی آن زمان، شکوه خیره‌کننده تکیه دولت، عظمت بنای آن و قدرت نمایشهای دراماتیکی که در آن اجرا می‌شد، از صحنه‌های تماشاخانه‌های اپرای مهم غرب، پیشی گرفته بود. با وجود این قبیل گزارشهای خیره‌کننده، بنا از بنیانی ضعیف برخوردار بوده و باید پس از پایان جنگ جهانی دوم از بین رفته باشد.

تکیه دولت بزرگ‌ترین نمود عینی حمایت ناصرالدین شاه از آیینهای عمومی شیعه، به شمار می‌آمد. این‌گونه جانبداریهای سلطنتی تأثیر به‌سزایی در توسعه و رشد درام تعزیه داشت، اما بر ساختار تکایا، تأثیری نگذارد. تکیه‌ای که به نظر می‌رسد بیشترین تأثیر را بر ساختار این‌گونه بناها داشته، تکیه حاجی میرزا آغاسی، وزیر محمدشاه (دوره پادشاهی ۱۸۳۴ تا ۱۸۴۸ میلادی) است. بنیان طبقاتی تکیه حاجی، بر اساس نمونه شناخته‌شده کاروان‌سرای ایرانی، ساخته شده است، یک حیاط چهار ضلعی، که در دورتادور آن یک یا دو طبقه حجره‌های طاقدار وجود دارد. تنها کاری

اسلام گسترش یافته است، ساخته نشدند.<sup>۷</sup> در تعزیه هر دو مراسم ثابت و سیار، که بیش از هزار سال با یکدیگر هم‌زیستی داشتند (و این هم‌زیستی تا کنون به طور مستقل از تعزیه تا حال، ادامه یافته است) در هم ادغام شده‌اند. مراسم سیار یک دسته پایه‌های حرکات تعزیه را به وجود آوردند.

در یک دسته، مردان نیمه‌برهنه، زنجیرزنان راه می‌روند و در کنار آنان مردان ملبیس پیاده و یا سوار بر اسب و شتر و به عنوان نمادی از قهرمانان کربلا، حرکت می‌کنند؛ اجرای تابلوهای مختلف حادثه کربلا، در این دسته‌ها نیز دیده می‌شوند.

تعزیه، کلام خود را از مراسم ثابت روضه‌خوانی، بازگویی دراماتیک عمومی، در خصوص شخصیت‌های تراژدی کربلا، گرفته است. از طرفی، علاوه بر اهمیت مذهبی آن، به عنوان یک حرکت، برای قفاره گناهان، بر طبق عقیده عام، شرکت در تعزیه گامی است به سوی رستگاری، تعزیه به نوعی تفریح دسته‌جمعی و عمومی بدل گشته بود.

تکیه‌ها، برای به صحنه رفتن تعزیه و برگزاری دیگر مراسم ثابت، هم‌چون روضه‌خوانیها ساخته شدند.<sup>۸</sup> از طرفی تکیه به عنوان محل تجمع و نقطه انتهایی دسته‌های محرم نیز به کار می‌رود. برخی تکایا بزرگ بود و هزاران تماشاچی نشست را در خود جای می‌داد، در حالی که دیگر تکایا، فقط چند صد نفر گنجایش داشت. معروف‌ترین تکیه، تکیه دولت در تهران بود که در سالهای دهه ۱۸۷۰ میلادی، به دستور ناصرالدین شاه قاجار (تاریخ پادشاهی از ۱۸۴۸ تا ۱۸۹۶ میلادی) ساخته شد. ساموئل گرین ویلر بنجامین، جهانگرد آمریکایی، این بنا را در سال ۱۸۸۷ این‌گونه توصیف می‌کند: «... چون از کالسکه، پیاده شدیم، بنای بزرگ مدوری را، مثل آمفی‌تئاتر ورونا، دیدیم که تمام از آجر و به طور مستحکم ساخته شده است ... چون به دایره وسیع تکیه، نگاه کردم، چشمانم منظره‌ای حقیقتاً خارق‌العاده دید. داخله بنا، تقریباً دویست پا قطر و قریب هشتاد پا ارتفاع داشت. روی تکیه، چوببستی طاق‌مانند زده‌اند و به کمک آهن، آنها را به یکدیگر وصل کرده‌اند، چادری روی این چوببست می‌کشند تا اندرون تکیه از باران و آفتاب محفوظ باشد. از وسط طاق، چلچراغ بزرگی آویخته بود و چهار چراغ برقی در آن می‌سوخت، بدعت تازه اما بخش وسیع تکیه را به سبک شرقی روشن می‌کنند، تعداد زیادی لاله و چلچراغ با کاسه‌های الوان در مقابل دیوارها چیده بودند ... به گمانم بیش از پنج هزار شمع در این لاله‌ها و چلچراغها می‌سوخت ... در مرکز تکیه، سکوی مدوری وجود دارد که ارتفاع آن از زمین، به حدود سه

دارد پوشانده و از آنجا که شالها، پهن تر از ستونها هستند، کناره‌های شالها به داخل تا خورده و دوخته شده‌اند؛ شالهای چین‌خورده سنگین تر نیز پایین حجره‌ها، آویزان شده‌اند. این شالها باریک، بدون حاشیه و تک‌رنگ هستند و به صورت قرینه آویزان شده‌اند. تمامی شالها، متعلق به ملک‌التجار، بزرگ، تجار تهرانی و متولی تکیه حاجی است. چهار غرفه یا هال بزرگ با تزئینات اختصاصی، مزین شده‌اند و توسط هیچ کس در طول اجراء اشغال نمی‌شود. یکی از این غرفه‌های خالی، متعلق به شیرازیها، یکی دیگر متعلق به اصفهانیها، دیگری متعلق به کاشانیها و چهارمی متعلق به ملک‌التجار است. هر کدام از مالکان سعی دارند تا در نمایش وسایل تزئینی خود بر دیگران پیشی گیرد. غنی‌ترین غرفه، غرفه شیرازیها و باوقارترین غرفه نیز متعلق به کاشانیهاست، هر چند که غرفه کاشانیها مزین به شالهای کشمیر طلادوزی شده است. دیوارها، سقفهای سه غرفه دیگر پوشیده از شالهای کشمیر است؛ شالها و قالیها به ارزش پانصد تومان، همگی از بالا آویزان شده‌اند. در غرفه شیرازیها، دیوار انتهایی با یک پارچه قرمز رنگ که به صورتی فاخر طلادوزی شده، پوشیده شده است. گفته می‌شود که قیمت این پرده چهار هزار منات اسکناس (روبل روسی) است. در غرفه ملک‌التجار، چینیه و کرسی‌تالهایی به نمایش گذارده شده که روی آنها مخملی مشکی که روی آن الماس، یاقوت و مروارید دوخته شده، کشیده شده است. در میان غرفه‌های کوچک‌تر، غرفه ولیعهد و غرفه حاجی بیشتر جلب نظر می‌کنند. این دو غرفه در کنار یکدیگر و در جلو تکیه قرار دارند.

دیوار این غرفه‌ها نیز با کشمیر پوشیده شده‌اند. تمامی تزئینات تکیه، در حدود چهارصد هزار منات اسکناس (روبل روسی) تخمین زده شده است ... تکیه، فقط یک ورودی دارد، بنابراین در پایان نمایش ازدحام بزرگی به وجود می‌آید، چرا که تکیه حاجی، همیشه بیشترین جمعیت تماشاچی را جلب می‌کند به دستور حاجی، یکی از غرفه‌ها برای اعضای سفارتخانه روس، در نظر گرفته شده بود. برای اعضای اندرونی بزرگان هشت غرفه بالای ورودی را تزئین کرده و جلوی آن را با پرده‌های نیمه‌شفاف، پوشانیده‌اند به طوری که تماشاچیان نتوانند داخل این غرفه‌ها را ببینند. مکان نشستن افراد عامی در چاله‌ای محصور با طناب، قرار دارد.

در داخل چاله، جمعیت زنان بسیار بود، نه کمتر از هزار نفر. در هر اجرای نمایش، باید ادعان داشت که زنان سوزناک‌ترین تأثیرپذیری را از تعزیه داشتند؛ چرا که برای اغلب آنان این تنها تماشایی بود که در طول سال داشتند.

هیچ کس هم‌چون زنان ایرانی از اجرای نمایش، متأثر نمی‌شوند، زمانی که صدای بازیگران را با صدای شیون و زاری خود می‌آمیزند ...»

#### پی‌نوشت:

۱. این عبارات مترادف یکدیگرند. گاهی اوقات این‌گونه عبارات به عنوان بخشی از نام یک عمارت خاص می‌آیند، مانند «حسینیه شیر» یا «تکیه دولت». عبارت «حسینیه» در یک تاریخ‌نگاری قرن هفده میلادی ظاهر گشته اما با دلالتی متفاوت: «و سیدبیک کومنه و میرزا احمد کفرانی که وزیر و صاحب مقطع بود در دیوار بست سادات عالی درجات حسینی نقبای آن ملک که بین‌الجمهور به حسینیه مشهور است و تا عنایت مردم آن ولایت از غایت تعظیم، آن مکان را بست و ملتجاء می‌دانستند قرار گرفته از بلوکات تفنگچی و کماندار آورده محافظت شهر و حسینیه می‌کردند» اسکندربیک ترکمانی، ۱۹۵۶، جلد اول، ص ۳۵۹ ترجمه منتشر نشده‌ای از رابرت مک‌جنسی.

۲. ناصرالدین شاه (پادشاهی از ۱۸۲۸ تا ۱۸۹۶ میلادی) که در طول عهد پادشاهی وی آیینهای وابسته به محرم به اوج خود رسید، مردی مذهبی بود و همان‌گونه که خود را وقف امامان شیعه کرده بود، به آئینهای شیعی نیز علاقه وافر نشان می‌داد.

۳. ساموئل آر. پترسون، تعزیه و هنرهای وابسته، در چلکوفسکی، ۱۹۷۹، ص ۷۲.

۴. مینا معرفت، ساختن برای به قدرت رسیدن: معماری تهران ۱۹۲۱ تا ۱۹۴۱، تز دکتری، MIT، ۱۹۸۸، ص ۵۱.

۵. نگاه کنید به کتاب آیینهای سوگواری شیعی علمیان، پتر چلکوفسکی، اسرآت ۱۲، ۱۹۸۶، صفحات ۲۰۹ تا ۲۳۳.

۶. نگاه کنید به عبارت حسینیه در کتاب دایره‌المعارف دنیای اسلام آکسفورد، جلد دوم، نوشته گوستاو تائیس، انتشارات نیویورک و آکسفورد، ۱۹۹۵، صفحات ۱۵۳ تا ۱۵۵ و مقاله حسینیه‌ها، تکیه، مصلیها، نوشته محمود توسلی صفحات ۸۱ تا ۹۰، در کتاب معماری ایرانی دوره اسلامی نوشته محمدیوسف کیانی، تهران، ۱۹۸۷. تکاپایی وجود داشته‌اند، که سقف آنها از مصالح دائمی و سخت ساخته شده بود. اما اینها استثنااتی از یک قانون کلی بود. نگاه کنید به کتاب تعزیه، نوشته پترسون صفحات ۶۸ تا ۷۴.

۷. در دوران صفویه، گاه عبارت تعزیه معادل عزاداری و سوگواری به کار برده می‌شد، متن زیر به عنوان مثال برگزیده شده است: «در اولین اثنای ماه محرم و ایام عاشورای محترم رسید، در این دوهمان ولایت‌نشان، این قاعده استمرار دارد که در روز عاشورا پادشاه و جمیع امرا و اعیان سپاه به تعزیه سید الشهدا و قتیلان معرکه کرب و بلا» پرداخته هنگامه عزاء و رسم سوز و بکاء در خدمت اشرف اعلی گرم می‌دارند. در آن عاشورا، این هنگامه در مسجد پادشاه مرحوم حسن پادشاه که بر جانب شمال میدان صاحب‌آباد واقع است گرم گشته جمیع امراء حاضر آمدند ...» اسکندر، ۱۹۵۶، جلد اول، ص ۲۹۸، ترجمه انتشار نیافته‌ای از رابرت مک‌جنسی.

اگرچه از اواخر قرن ۱۸ میلادی، عبارت تعزیه (و اگر دقیق‌تر بخواهیم: تعزیه‌خوانی) مختص اجراهای دراماتیک به کار می‌رفت.

۸. پتر چلکوفسکی، روضه‌خوانی، دایره‌المعارف اسلام، جلد ۸، ص ۴۶۵.

۱۰. بنجامین، ۱۸۸۷، صفحات ۳۸۲-۸۸ [خوشبختانه این سفرنامه به فارسی ترجمه گردیده است. متن این قسمت از ترجمه نوشتار بنجامین، از کتاب «ایران و ایرانیان»، خاطرات و سفرنامه ساموئل گرین ویلر بنجامین نخستین سفیر ایالات

متحده آمریکا در سال ۱۸۸۳ تا ۱۸۸۵ میلادی، به اهتمام و ترجمه رحیم رضازاده ملک، چاپ اول، ۱۳۶۳، صفحات ۴۲۹ تا ۴۴۴، آورده شده است. م]

مینا معرفت می‌نویسد: «تعزیه بسیار مورد علاقه شاه و درباریان بود. برای همین، ناصرالدین شاه اولین تماشاخانه عمومی بزرگ شهر «تکیه دولت» را در جنوب شرقی ارگ در سال ۱۸۷۳ بنا کرد و بدین ترتیب این حرکت را رسمیت بخشید.» معرفت، ساخت قدرت، ص ۵۲. تاریخی که معرفت در اینجا عنوان می‌کند بعد از زمانی است که اعتمادالسلطنه (چاپ سال ۱۹۸۴، ص ۵۸) بیان کرده است.

در هر حال سال ۱۸۷۳، تاریخی است که شاه دستور ساخت تکیه دولت را صادر کرد. برای تکیه دولت نگاه کنید به نوشته پترسون، تعزیه، یحیی ذکاء، ۱۹۷۰، بهرام بیضایی، نمایش در ایران (تهران ۱۹۶۵)، صادق هایونی، تعزیه و تعزیه‌خوانی (تهران ۱۹۷۵).

۱۱. علی خان معزیر، ۱۹۸۳ میلادی. همچنین نگاه کنید به کتاب ناصر نجمی، تهران عهد ناصری (تهران ۱۹۸۵).

۱۲. کارلا سرنا Hommes of choses en Perse (پاریس ۱۸۸۳)، صفحات ۱۷۲ تا ۱۷۳. برای مطالعه بیشتر،

در سفرنامه‌های جهانگردان غربی در ایران که در مورد تکیه دولت توضیحاتی داده‌اند، نگاه کنید به کتاب یک سال در میان ایرانیان، نوشته ای. جی. براون (لندن ۱۸۸۶)، سفرنامه کارزون ۱۹۸۲، کتاب سفر به ایران و کردستان، نوشته ایزابل ال. پیشاپ (لندن ۱۸۹۱)، کتاب با کاروان به سوی ایران، نوشته آرتور آرنولد (لندن ۱۸۸۷)، کتاب عجایبی درباره ایران، نوشته استانس دلوری و داگلاس اسلان (لندن ۱۹۰۷).

۱۳. ساخت چادر تکیه، خود به تنهایی یک هنر است. دو نوع چادر وجود دارد. یکی برای زمستان و دیگری برای تابستان هر دو نوع بسیار استادانه بافته و گلدوزی می‌شدند.

۱۴. کرسی نوعی صندلی است. در اینجا به ساختاری منبرمانند اشاره دارد با چند پله که روضه‌خوان، روی آن می‌نشست.

